

دریچه

شهادای منابع طبیعی کشور

● شادروان علامه جعفری تأکید داشت که معرفی چهره برجسته و متعالی علی (ع) نه‌فقط یک ضرورت تاریخی و عقیدتی، بلکه ضرورتی اجتماعی و اخلاقی است. زیرا وقتی جوان معاصر جامعه ما به تاریخ بنگرد و ببیند که افراد (معروف، تاریخ آتیلا و چنگیز و اسکندر و دیگر قدرت‌پرستان خون‌ریز هستند، آنگاه ناامید و سرخورده خواهد شد از تاریخ بشریت. علامه جعفری با همین نگرش کاربردی خود، پرداختن و ذکر مدام منش و روش اسام علی (ع) را وظیفه اجتماعی می‌دانست. با همین نگرش و روش علامه، باید گفت که غفلت از سرمایه‌های انسانی و اخلاقی جامعه امروزی ایران درواقع نوعی وظیفه‌ناشناسی و بلکه غفلت از تکالیف اجتماعی ماست. امروز همه سا. هر یک از ما و به‌ویژه فرزندان و جوانان ما (که دوران رشد فکری و عاطفی و تکوین بینش و منش آنان در زیر انبوه اخبار زنده‌ترجیح دائمی منافع کوتاهمدت و شخصی به مصالح بلندمدت، کلان و ملی قرار دارد) به‌شدت و عمیقاً نیازمند مشاهده شواهد و نمودهای شرف و پاکدامنی هستیم. شوربختانه علاوه‌بر تجارب زیسته مستقیم ما از انواع رسانه‌ها و شبکه‌ها نیز اخبار قربانی‌کردن حقوق و منافع ملت به پای مطامع شخصی بر سر ما می‌بارد؛ تا جایی که برای بسیاری از ما چنان می‌نماید که گویا رفتارِ جز این رفتارهای زنده‌ناشدنی و ناممکن است. در این میانه، به ما خبر می‌رسد که انسان‌هایی شریف مانند «شریف باجور» و همراهانش برخاسته و اقدام کرده‌اند؛ نه برای کسب ثروت و قدرت شخصی، بلکه برای خاموش‌کردن آتش جنگلی که ثروت ملی و از منابع بین‌نسلی است. خبر می‌رسد که خویشتن می‌دانسته‌اند به میان آتش زده‌اند، بر ترس از مخاطرات و تهدیدها چیره شده و با پس نکشیده‌اند و حتی تا پای جان رفته و نهایتاً در انجام این وظیفه جان خود را نیز تقدیم کرده‌اند و گذشته از همه این‌ها خبر این‌ها هم ملاحظه می‌شود که رسانه‌ای هم برای تبلیغ و شهرت در خدمت آنان نبوده است. آتیا تکلیف اجتماعی امروز ما – گذشته از ضرورت اخلاقی و فردی هر یک از ما – بر خاستن برای تعظیم تمام‌قد در برابر شکه‌و رفتار انسان‌هایی نیست که در میان این‌همه شاکتکنر این قدرت و ثروت و شهرت، سراغ انجام تکلیف در جایی می‌روند که کمترین گمانی برای کسب قدرت و ثروت و شهرت نیست؟ حقیقت و بن‌مایه ماجرا در این است که توجه کنیم درواقع «خبر» این نبود که «چهار نفر جان دادند» یا «چهار نفر در آتش سوختند». اگر موضوع را تا این حد فروگاهیم و در عمق آن دقت کنیم، آنگاه گمان بریم که این خبر تا حدی ارزش خبری «به‌هنگام» بودن داشت و تا حدی هم ارزش خبری «دراماتیک». اما عمق ماجرا فراتر از اینهاست. این خبر را باید چنین بنویسیم و چنین بخوانیم:

ثروت‌های ملی، طبیعی و بین‌نسلی، هنوز هم دوستداران دلسوز و دلیری دارد که حاضرند برای حفظ آن ثروت‌ها خود را به آب و آتش برزنند. باید چنین نوشت و خواند: همین هفته، چهار ایرانی برای حفظ منابع ملی کشور، جانشان را فدا کردند. چنین خبری، دیگر دارای ارزش‌های خبری متعدد و بالایی است برای من ایرانی امروز. این خبر ارزش مجاورت دارد، برای همه سا ایرانیان امروز. صحبت از مریوان با این شهر یا این شهر نیست، صحبت از منابع ملی ما ایرانیان است. این خبر، هم مجاورت جغرافیایی دارد و هم مجاورت عصری. از همه مهم‌تر و البته از همه تأسف‌برانگیزتر این است که گویا این خبر ارزش «بدیع» و «نادر» بودن یافته است در میان همه مایه‌وهای سیاسی و تجاری و نمایشی. در آشفته‌بازاری که گویا رباکاری و دکان‌داری و سودپرستی تبدیل به قاعده اصلی بازی شده است، خبر «جانبازی انسان‌هایی شریف برای تأمین خیر عمومی» به‌واقع امری شگفت‌انگیز می‌نماید و ای‌کاش رسانه‌ها به این می‌پرداختند. ای‌کاش رسانه‌ها این سرمایه‌های انسانی را که با این جان‌فشان‌ی خویش، مرز شهرت و افتخار را نیز پشت‌سر گذاشتند و تبدیل به «سرمایه‌های نامدین» شده‌اند، بیش‌ازپیش به ما، به همه ما و به‌ویژه به فرزندان و جوانان ما معرفی کنند. ما نسل ما و نسل جوان ما در حافظه و ذخایر تجربی خود سخت نیازمند این انسان‌های شوکه‌مندی است که با کمترین حمایت مادی، اداری، قانونی، رسانه‌ای و فرهنگی و تقریباً فقط از آیشخور تربیت و معرفت‌های شخصی و درون‌زا دست به بزرگ‌ترین کارها می‌زنند و حتی جان خود را به پای ارزش‌های وجودی خویش فدا می‌کنند. اما ما باقی‌ماندگان، گاه آن‌قدر ملاحظه می‌کنیم، آن‌قدر محاسبات پیچیده می‌کنیم، آن‌قدر نگران عواقب احتمالی بعدی هستیم، مرز شهرت و افتخار را نیز می‌کنیم و آن‌قدر فرصت‌های قدرانی و سیاست‌گزاری را از دست می‌دهیم که نه‌تنها گاه شرمند خانواده‌ها و جمعیت‌هایی می‌شویم که چنین فرزندانی را به مام میهن تقدیم کرده‌اند، بلکه حتی فرصت‌های ملی شناسایی و معرفی سرمایه‌های نامدین کشور را هم یکی‌یکی از دست می‌دهیم. هر روز ذخایر تجربی غنی و شوکه‌مند نسل معاصر را تحقیر و تحقیرتر می‌کنیم. این‌س رفتار موجب می‌شود که افزون بر از دست‌دادن سرمایه‌های اقتصادی و مالی و طبیعی، حتی امکان توسعه و تکثیر سرمایه‌های انسانی را نیز از دست بدهیم و حتی سرمایه‌های نامدین را نیز از میان ببریم.

شرق: آمارهای موجود در ثبت‌احوال کشور، حکایت از آن دارد که در پنج سال گذشته ۵۸ هزار و ۸۶۹ مورد ازدواج ثبت‌نشده در کشور اتفاق افتاده است. بر اساس خبری که فارس منتشر کرد، آمار ازدواج در کشور به تفکیک وقوع و ثبت نشان می‌دهد که آمار وقوع ازدواج با آمار ثبت در سال‌های اخیر متفاوت بوده است. در این گزارش از یک کارشناس در این زمینه پرسیده‌ایم که چه کسانی ازدواجشان را ثبت نمی‌کنند و درواقع چه گروهی از خانواده‌ها ترجیح می‌دهند که عقد ازدواج خود یا فرزندان‌شان در هیچ‌جا درج نشود و از این ماجرا چه سودی می‌برند. بر اساس خبر منتشرشده در آمار ازدواج در پنج سال اخیر که از سوی سازمان ثبت‌احوال کشور اعلام شده، در سال ۹۲ آمار وقوع ۷۹۲ هزار و ۶۱۲ مورد بوده، درحالی‌که آمار ثبت‌شده آن کمی کمتر؛ یعنی ۷۷۴ هزار و ۵۱۳ مورد بوده است یا در سال ۹۳ نیز آمار وقوع ۷۵۱ هزار و ۱۹۰ مورد بوده، درحالی‌که آمار ثبت‌شده آن کمی کمتر؛ یعنی ۷۲۴ هزار و ۳۲۴ مورد بوده است.

این گزارش اعلام می‌کند همین‌طور در سال ۹۴ طبق آمار رسمی ثبت‌احوال، آمار وقوع ۶۹۹ هزار و ۲۵۶ مورد بوده، درحالی‌که آمار ثبت‌شده آن کمتر؛ یعنی ۶۸۵ هزار و ۳۵۲ مورد بوده است. در سال ۹۵ تعداد ازدواج‌های انجام‌شده ۶۶۸ هزار و ۲۹۴ مورد بوده، ولی آمار ثبت‌شده آن ۶۰۴ هزار و ۷۱۶ مورد بوده و در سال گذشته ۶۰۵ هزار و ۳۹۳ مورد ازدواج انجام شده که ۶۰۸ هزار و ۹۵۶ مورد ازدواج ثبت شده که نسبت به آمار وقوع آن بیشتر شده است. بر اساس این گزارش، آمار وقوع به این معناست که تعداد ازدواج‌های رخ‌داده در سال‌های گذشته که تا نیمه اردیبهشت امسال ثبت شده، شمارش شده است. به همین دلیل آمار وقوع در سال‌های ۹۵ و ۹۶ نسبت به آمار ثبت آن کمتر است و به اعتقاد کارشناسان ثبت‌احوال، چنانچه این آمار (آمار وقوع) در نیمه اردیبهشت ۹۸ تهیه شود، قطعا از آمار ارائه‌شده در این گزارش بیشتر خواهد بود. به‌عبارتی دیگر، در پنج سال اخیر میان وقوع ازدواج و ثبت ازدواج اختلاف آمار وجود دارد که نشان می‌دهد ۵۸ هزار و ۴۶۹ مورد ازدواج ثبت نشده است.

کامیل احمدی، مرده‌شناس و محقق در باب توانمندسازی و اجتماع، در گفت‌وگو با «شرق» در پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده در ابتدای این گزارش این‌طور توضیح می‌دهد: درباره ازدواج‌های ثبت‌نشده یا ازدواج‌های غیررسمی که وجودش را اعلام می‌کنند، راه‌های زیادی برای ارزیابی صحت‌وسقمش وجود دارد که به‌خاطر اندازه و

حجم زیاد این ازدواج‌ها بیشتر از گزاره حدس‌وگمان استفاده می‌شود که ریسک بالایی دارد. همچنین اینکه شما آمار سال‌به‌سال این ازدواج‌ها را کنار هم قرار می‌دهید و یک ضریب اطمینانی را در این مورد پیدا کنید شیوه دیگری برای پیداکردن آمار است. راه دیگر این است که به عوامل متعدد اجتماعی پژوهش‌های کمی که متأسفانه در این زمینه انجام شده استاد کنید.»

وی در ادامه افزود: «من در خلال کار و پژوهش در حوزه ازدواج سفید، در دور اول کارم کمی به آمارهای رسمی کشور مشکوک شدم، چون دیدم راه‌های درروی متعددی برای خانواده‌ها و به‌خصوص برای مردهای چندهمسره وجود دارد که جدا از همسر اول، همسرهای دوم و سوم را معمولا ثبت نمی‌کنند. آنها ازدواج‌هایشان را ثبت نمی‌کنند تا همسر را از تبعات قانونی خود و مصونیت‌های قانونی مثل مهریه محروم کنند و برای همین معمولا به عقد غیررسمی که به آن در جوامع روستایی عقد پشت جلد قرآنی گفته می‌شود و در مناطق فقیرنشین که فقر فرهنگی و اقتصادی دارند، وجود دارد بسنده می‌کنند. اینها گروه زیادی از این ازدواج‌ها را به خود اختصاص می‌دهند؛ ازدواج‌هایی که شرعی هستند، اما رسمی نیستند. گروه دومی از ازدواج‌ها، ازدواج‌هایی هستند که سن‌وسال دختربچه و حتی پسر بچه پایین است و آنها هم به همین شیوه بدون ثبت ازدواج می‌کنند. بعضی از این ازدواج‌ها عمداً هم ثبت نمی‌شود؛ چون می‌خواهند ببینند نتیجه ازدواج چه خواهد

جامعه

۵۸ هزار ازدواج ثبت‌نشده

بخشی از ازدواج‌های ثبت‌نشده، ازدواج کودکان است که والدین آنها را عمداً ثبت نمی‌کنند؛ می‌خواهند ببینند نتیجه چه خواهد شد

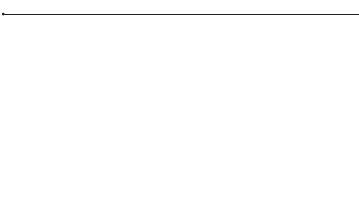


عکس: علی دلاک آبادی، تسنیم

شد و در واقع دواמש را محک می‌زنند. دسته دیگر دانش ثبت ازدواج ندارند و برخی دیگر از خانواده‌ها نیز از ترس تبعات قانونی مثل به‌اجرگذاشتن مهریه از سوی خانواده عروس و چیزهایی از این قبیل ازدواج را ثبت نمی‌کنند.» احمدی تأکید کرد: «در میان این گروه باز هم گروه‌های مختلفی با نیت‌های متفاوت وجود دارند؛ مثلاً عقد عروس کم‌سن‌وسال را برای مرد بزرگ‌سال ثبت نمی‌کنند. دسته دیگری هم هستند که ازدواج‌های عشیره‌ای و قبیله‌ای و برون‌مرزی انتخاب کرده‌اند که این نوع ازدواج‌ها نیز در حاشیه مرزها اتفاق می‌افتد و در استان سیستان‌وبلوچستان، ترکمن‌صحرا و برخی مناطق کردستان و در جنوب کشور در جزایر هم‌جوار با امارات متحده عربی که اغلب هم‌کیشانی آن طرف مرز دارند، این ازدواج‌های بدون ثبت به وفور یافت می‌شود. مثل بلوچ‌ها و پشتون‌ها و ترکمن‌ها و... در ازدواج‌های درون‌عشیره‌ای هم عموماً این اتفاق می‌افتد که دختران کم‌سن‌وسال به عقد مردان درمی‌آیند و برای همین این‌س ازدواج‌ها ثبت نمی‌شوند. این ازدواج‌ها کاملاً بومی هستند و در مناطق مرزی اتفاق می‌افتد و تعدادشان نیز زیاد است.» به گفته احمدی از این دسته هم گروه چشمگیری هستند که وقتی در سرحدات ایران ازدواج‌ها صورت می‌گیرد، با اتباع غیرقانونی ازدواج می‌کنند. او می‌افزاید: مثلاً یک خانم ایرانی با مرد بلوچ پاکستانی ازدواج می‌کند و زمانی که حتی به داخل مرز پاکستان برود، نه طبق قانون ایران و نه طبق قانون پاکستان این

ازدواج‌ها چون ثبت نشده‌اند، قانونی نیستند و طبعاً فرزندان آنها نیز مشکلات فراوانی پیدا می‌کنند و دیده‌اید که بچه‌های این ازدواج‌ها در شهرهای مرزی بدون شناسنامه و هویت باقی می‌ماند و دچار مشکل می‌شوند.» این جامعه‌شناس تأکید می‌کند: «وقتی شما این دسته‌ها را روی هم بگذارید، می‌بینید که آمار چشمگیری از زندگی‌های مخفی یا آماری از ازدواج‌های خاکستری به وجود می‌آید که می‌تواند روی آمار ازدواج‌های رسمی نیز اثرگذار باشد. شما اگر آمارهای رسمی را هم نگاه بکنید، می‌بینید که در سال‌های گذشته به شیوه میانگین، ما ۱۰ درصد کاهش ازدواج در ایران و شش درصد افزایش طلاق داریم و وقتی که اینها را در کنار هم می‌گذارید، می‌فهمید که روند ازدواج در حال پایین‌آمدن است و عمداً به خاطر مسائل اقتصادی و نوع نگاه نسل جوان به ازدواج این اتفاق می‌افتد. مثلاً در ازدواج سفید آمارش سال‌به سال بیشتر می‌شود و به اشتباهی جوانان خوش‌تر می‌آید و دلایش هم این است که وارد قیدوبند ازدواج رسمی نمی‌شوند. به‌ویژه خانم‌های جوان به دلیل محدودیت‌هایی که ازدواج برایشان به وجود می‌آورد و کم‌برخورداری با محکم‌نبودن مفادهای قانونی که حتی شروط ضمن عقد هم نمی‌تواند به این‌س ازدواج بدهد، آنها را به سمت دیگری از انواع ازدواج می‌کشاند که ثبت‌شده نیستند و جایی در آمارها ندارند.»

کامیل احمدی در پایان در پاسخ به این سؤال که کدام نوع از این ازدواج‌ها شیوع بیشتری دارند، گفت: «در تحقیقات من که در قالب کتاب نطین سکوت دو سال پیش منتشر شد، بیشترین آمار ازدواج‌های ثبت‌نشده، متعلق به ازدواج‌های زیر ۱۸ سال در مناطق روستایی کم‌برخوردار دارای فقر اقتصادی بود که دسته عظیم‌شان دختر بچه‌هایی بودند که هم‌کرکز ازدواج‌شان ثبت نمی‌شد و دسته دوم دختر بچه‌هایی بودند که به عقد مردانی درمی‌آمدند که این دختران ازدواج دوم‌شان محسوب می‌شد و این دو گروه، گروه بزرگ ازدواج‌های ثبت‌نشده بودند که سال‌ها از ازدواج‌شان می‌گذشت و حتی بچه هم داشتند؛ اما نثاری به ثبت ازدواج نمی‌دیدند. ما در یک‌سال فقط یک جهش بسیار بزرگ از ثبت ازدواج‌ها داشتیم و آن هم متعلق به سال اعلام یارانه‌ها بود و دوباره هم فروکش کرد. آن زمان یک هجوم آماری داشت و حالا به خاطر کم‌بودن مبلغ یارانه یا اینکه یارانه را دختر یا پسر در درون خانواده اولش می‌گیرد، این ثبت ازدواج‌ها کاهش پیدا کرده است.»



با قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان، شهرداران چه شهرهایی باید بروند؟

خداحافظ شهردار

یعنی شورای پایتخت به این قانون توجهی نداشته است.

حالا شورای شهر چند کلان‌شهر مهم و حساس، از جمله تهران در آستانه وضعیتی ویژه و البته بلا تکلیف قرار گرفته‌اند. مدیریت شهری از چند هفته قبل در برزخ قرار دارد و اگر فضای شهرداری‌ها و مبادلات مالی پیمانکاران، شهردار یزد، شهردار باهر، شهردار تبریز، محمد همه آنها در چنین مواقعی دست نگه می‌دارند تا ببینند تیم مدیریتی تغییر می‌کند یا نه!

شهرداران کلان‌شهرهای دیگر هم چندان جوان نیستند و برخی در آستانه بازنشستگی قرار دارند. قدرت‌الله نوروزی، شهردار اصفهان، متولد ۱۳۲۳ است، اما در شهرهای دیگر وضعیت کمی بهتر است. مهدی جمالی‌نژاد، شهردار یزد، مدیر شهردار تبریز، محمد حضرت‌پور، شهردار ارومیه و حیدر اسکندریور، شهردار شیراز، هم فعلاً تا بازنشستگی وقت دارند. در این میان آرش رضایی، شهردار کرمانشاه، هفته اول مرداد استعفا داد و این شهر فعلاً سرپرستی جوان دارد و کرج هم بعد از یک سال سرخوشانه به اختلاف ادامه می‌دهد تا ماجرای این اختلاف بر سر انتخاب شهردار به‌اندازه کافی بیخ پیدا کند و مدیریت شهری بیشتر از این معطل بماند.

شورای شهر تهران که پیشانی شوراها و مدیریت شهری کلان‌شهرهاست، اما در این مدت پس از تصویب اصلاحیه قانون جدید، منفعل‌ترین رفتار را داشته است. شورا کمیته‌ای را تشکیل داد که آن کمیته معطل نظر مجلس و شورای نگهبان ماند و حالا هم که شورای نگهبان تکلیف را روشن کرده است، هنوز این کمیته اعلام نظر نمی‌کند و مشخص نیست آیا لایه و مذاکراتی با مجلس یا مراجع دیگر برای ماندن شهردار تهران و چند کلان‌شهر صورت گرفته و اگر صورت

یادداشت

برندینگ مقصد و برندسازی شهری

سهیل سیمره، پژوهشگر برندسازی

● حرف و سخن از لزوم اجرای فرایند برندسازی مقصد، این روزها در محافل مختلف شنیده می‌شود. اما آنچه بین همه افشار و فعالان حوزه‌های مرتبط و علاقه‌مندان به مباحث برندسازی مقصد دیده می‌شود، عطش بی‌حدوحصر در طرح مفاهیم مربوط به برندسازی شهری و برندینگ مقصد است و آنچه این شور و شوق به وجود می‌آورد، در نهایت خروجی آن به ویرترین زیبایی‌ای طرح‌ها، ایده‌ها و مصاحبه‌هایی منجر می‌شود که از برند مقصد و برندسازی شهری و گردشگری فقط برجسی را همراه خود دارد و هیچ هویت و مفهوم اجرایی عملیاتی را در خود نهداینه نکرده است. قدم نخست در تحلیل وضعیت فعلی کشور در مسیر طرح ایده تا اجرای مفهوم نوین برندسازی مقصد و برندینگ شهری در ایران شاید پذیرش این نکته باشد که ما در کشور برخلاف آنچه در رسانه‌ها می‌بینیم و می‌شنویم، تجربه‌ای در اجرای روند برندسازی مقصد نداشته و نداریم و توانسته‌ایم ساختار اجرایی عملیاتی پروسه برندسازی مقصد را نه فقط در شهر یا مقصد گردشگری؛ بلکه در مقاصد خرد مانند شهرک‌های اقتصادی، مراکز خرید یا مقاصد تفریحی-اقامتی اجرا کنیم. ناگهی کوتاه به تجربیات جهانی موفق و ناموفق در این عرصه نشان می‌دهد که مدل‌های اجرایی عملیاتی مختلفی برای طراحی و اجرای پروسه برندینگ مقصد در دنیا وجود دارد که هر یک با اهداف و رویکردهایی مختلف ادم از فرهنگی-اجتماعی، گردشگری، تجاری-اقتصادی و سیاسی تبیین و تدوین شده‌اند و الگوریتم اجرایی مشخصی را به همراه خود دارند. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل بهره‌مندنشدن از چنین مدل‌ها و الگوهایی جهانی در ایران نبود تضمین زمانی و اجرایی برای چنین پروژه‌هایی باشد. فرایند برندسازی مقصد از استخراج ظرفیت‌ها و مزیت‌ها در شاخص‌های مختلف تا تبیین و تدقیق هویت برای مقصد و طراحی برنامه و استراتژی مشخص برای عرضه این هویت و مزیت‌های طراحی‌شده به بازار هدف روندی میان‌مدت و بلندمدت است؛ اما آنچه در ایران دیده می‌شود، توقع بازخورد لحظه‌ای و ایده‌های خلق‌الساعه‌ای برای به‌اصطلاح عوام برندکردن یک شهر یا مقصد و تصویرسازی برای آن است.

بارسلونا از سال ۹۰ میلادی تاکنون برنامه برند شهری خود را ادامه می‌دهد و بازنگری می‌کند. سنگاپور و مالزی با انتخاب بازار هدفی منطبق بر ظرفیت‌ها و مزیت‌ها و ویژگی‌های گردشگری و تفریحی مقصد را به‌عنوان برنامه‌ای بلندمدت در دستور کار خود قرار داده‌اند. هند و سریلانکا با وجود نقاط ضعف فراوان در بین رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای توانستند بر موج داشته‌های خود سوار شوند و از یک بازار مشخص سهم درخور توجهی را جَیدها کنند. حال نگاهی به شهرها و مقاصد کشورمان بیندازیم و ببینیم تا چه حد توانسته‌ایم حتی مفاهیم ابتدایی برندسازی مقصد و برندینگ شهری را در آنها پیاده کنیم؟ تهران، اصفهان، مشهد، زنجان، تبریز، همدان، شیراز، رشت و... شاید برای ما به‌عنوان مخاطب ایرانی هویت و جایگاه ویژه‌ای داشته باشد؛ اما در چرخه ارزش‌فرینی اقتصادی تا چه میزان توانسته‌اند هویت و مزیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، گردشگری و... خود را به محصول قابل عرضه به بازار هدفی مشخص تبدیل کنند و مخاطبان مؤثر در این بازار را به مشتریان دائمی خود بدل کنند؟ محصول نه نقاط و جاذبه‌های گردشگری و تفریحی است، نه تولیدات خرد و متوسط و نه مکانی برای خرید و هزینه‌کردن؛ محصول یک مقصد هویتی است که مخاطب حاضر است برای آن هزینه کند و هر آنچه را نشانی از این هویت داشته باشد، مشتری آن شود. حالا مجدد نگاه کنیم. کدام‌یک از شهرهای ما توانسته‌اند مفهوم و روند برندسازی شهری را اجرا کنند؟ ایجاد هویتی متمایز و ارزش‌آفرین برای مخاطب؛ نه فقط لوگو، نه فقط شعار، نه فقط فیلم تبلیغاتی، هویتی که برپایه مدل و ساختاری مشخص شکل گرفته باشد، قابلیت اصلاح و توسعه دارد و می‌تواند اکثر ابعاد یک مقصد را در بر بگیرد تا قابلیت عرضه به بازار هدف را داشته باشد.

مناقصه شماره ۱۳-۹۷



فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای «وصول بخشی از مطالبات شرکت آب منطقه‌ای البرز»

شرکت آب منطقه‌ای البرز در نظر دارد فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای " وصول بخشی از مطالبات شرکت آب منطقه‌ای البرز "از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان شامل دریافت و تحویل اسناد مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۹۷/۰۶/۰۶ می‌باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه از طریق سامانه قابل دریافت می باشد.

مهلت دریافت اسناد: تا ساعت ۱۹ مورخ ۹۷/۰۶/۱۰

مهلت ارسال پاسخ: تا ساعت ۱۹ مورخ ۹۷/۰۶/۲۰

زمان بازگشایی پاکات: ساعت ۱۰صبح مورخ ۹۷/۰۶/۲۱

اطلاعات تماس دستنگاه مناقصه گذار: کرج- مهرشهر- بلوار امام خمینی (ره)- روبروی مصلی- خیابان بوستان- شرکت سهامی آب منطقه ای البرز- کد پستی ۳۱۸۶۷۱۷۵۹۸-تلفن ۳۲۰-۳۱۰-۰۲۶۳۳۳۳۳۰۰

اطلاعات تماس سامانه جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱.۰۲۷۳۱۳۱۳۱ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸-۰۲۱-
شرکت آب منطقه ای استان البرز

نوبت اول